

# آرزوی دیدار

صادق کمیلی خراسانی

A decorative border with floral and vine motifs surrounds the text. The top and bottom corners feature large, detailed floral designs, while the sides are decorated with vertical vine patterns and smaller floral elements.

# آرزوی دیدار

نوشته:

صادق کمیلی خراسانی

انتشارات سمیع

۱۳۸۶

سرشناسه	: کمیلی، صادق.
عنوان و پدیدآور	: آرزوی دیدار / مؤلف صادق کمیلی خراسانی.
مشخصات نشر	: تهران: سمیع، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری	: ۹۶ ص.
شابک	: ۹۶۴-۸۲۳۷-۴۲-۵
یادداشت	: فیبا.
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیر نویس.
موضوع	: مهدویت - انتظار.
رده بندی کنگره	: BP ۲۲۴/۴/ک ۸۱۴
رده بنده دیویی	: ۲۹۷/۴۶۲
شماره کتابخانه ملی	: ۴۲۷۵۴-۸۵ م

## آرزوی دیدار

نوشته: صادق کمیلی خراسانی

شابک: ۹۶۴-۸۲۷۳-۴۲-۵

ناشر: انتشارات سمیع

چاپخانه و لیتوگرافی: طه - قم

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۸۶

قطع: رقعی، تعداد صفحه: ۹۶

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰ تومان

حقوق چاپ برای مؤلف محفوظ است

آدرس پخش و انتشارات سمیع

شهر ری - میدان نارنج - مجتمع نارنج

تلفکس: ۵۵۹۵۳۸۷۱ - تلفن: ۵۵۹۵۳۸۰۸

همراه: ۰۹۱۲ ۱۰۱ ۸۷۵۲

پخش تهران / همراه: ۰۹۱۲/۴۷۶ ۲۲۳۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امشب سحر آید

مهدی ز در آید

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی

دل بی تو به جان آمد وقتست که باز آیی

### پیش گفتار:

سرخط قضا نوشته شد بسم الله

عالم همه برپاست ز نام الله

هستی همه از نمونه قدرت اوست

لا حول و لا قوة الا بالله

با نام و یاد خدای مهربان و عرض سلام به خوانندگان عزیز و

محترم، متذکر می شوم که کتابی که در پیش رو دارید یک نگارش

استدلالی نیست، تا بخواهد ردّ شبهات و پاسخ ایرادات باشد.

شخصیت ارزنده ولی الله الاعظم ارواحنا فداء، همچون دریای

مواج و بی کرانی است که هر کسی به آسانی نمی تواند در آن به



غواصی و شناگری پردازد و نویسنده، کوچکتر از آن است که چنین ادعایی کند.

در کتاب حاضر که برگرفته از منابع گوناگونی است، سعی شده که به خواننده محترم و گرامی، آرزوی دیدار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف القاء شود.

در پایان از خداوند متعال رحمت و مغفرت و علو درجات برای پدر بزرگوارم مرحوم حضرت آیه الله حاج شیخ حسن کمیلی (قدس سره) و مرحومه مادر دلسوز و مهربانم حاجیه رحیمه کمیلی (رحمة الله علیها) و صبیئه مرحومه مغفوره که از مشتاقان دیدار امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بوده که بر اثر سانحه‌ای دار فانی را وداع گفت را مسئلت می‌نمایم.

رجای واثق که مثمر ثمر افتد

والله الموفق والمعین

مشهد مقدس - صادق کمیلی خراسانی

در سالروز میلاد حضرت حجّة بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پانزده

شعبان المکرم سنه ۱۴۱۰ هـ ق به پایان رسید.

## دعای حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

بسم الله الرحمن الرحيم

الهي عظم البلاء وبرح الخفاء وانكشف الغطاء وانقطع الرجاء  
وضاقت الارض ومنعت السماء وانت المستعان واليك المشتكى  
وعليك المعول في الشدة والرخاء اللهم صل على محمد و آل محمد اولى  
الامر الذين فرضت علينا طاعتهم و عرفتنا بذلك منزلتهم ففرج عنا  
بحقهم فرجاً عاجلاً قريباً كلمح البصر او هو اقرب يا محمد يا علي يا  
علي يا محمد اكفياني فانكما كافيان وانصراني فانكما ناصران يا مولانا  
يا صاحب الزمان الغوث الغوث الغوث ادركني ادركني ادركني الساعة  
الساعة الساعة العجل العجل العجل يا ارحم الراحمين بحق محمد وآله  
الطاهرين.

كفعمی در بلد الامین فرموده، این دعای حضرت صاحب الامر  
(عجل الله تعالى فرجه الشريف) است که تعلیم فرموده آنرا بشخصی که محبوس  
بود، پس خلاص شد. (۱)

## کیفیت ولادت حضرت مهدی علیه السلام و تاریخ آن و بعضی از حالات مادر و نام ایشان

النجم الثاقب - قال بالفارسیة، ما هذه ترجمته، ذکر الشيخ، الثقة، الجلیل، ابو محمد فضل بن شاذان، المتوفی، بعد ولادة الحجة (عجل الله تعالى فرجه الشريف) وقبل وفاة ابيه، ابي محمد العسكري عليه السلام في كتاب، غيبته، قال: حدثني، محمد بن علي بن حمزة، بن الحسين، بن عبدالله، بن عباس، بن علي بن ابي طالب عليه السلام قال: سمعت الامام الحسن العسكري عليه السلام يقول ولد ولي الله و حجته على عبادہ، و خلیفتی من بعدي مختوناً ليلة النصف، من الشعبان، سنة خمس و خمسين و مأتین، عند طلوع الفجر و كان اول من غسله، رضوان، خازن الجنة، مع جمع من الملائكة، المقربین، بماء الكوثر، و السلسبیل، ثمَّ غسلته، عمّتي الحكيمه، بنت الامام محمد بن علي الرضا عليه السلام

ثم، سئلوا عن محمد بن علي، (راوی الحديث) عن امه عليها السلام قال كانت مليكة، التي يقال لها بعض الايام، سوسن، و في بعضها ريحانة، و كان صقيل و نرجس ايضاً من اسمائها، ثم قال المحدث النوري (ره) و



من هذا الخبر، يظهر وجه الاختلاف، في اسم امه المعظمة، وانها تسمى بكل واحد من هذه الاسماء الخمسة و رواه الخاتون آبادي في اربعينه، عن ابي محمد بن شاذان.

امام حسن عسکری عليه السلام فرمود: ولادت ولی خدا و حجّت بر بندگان خدا و جانشین بعد از من، به آخر رسانیده شد، شب نیمه شعبان، سال دویست و پنجاه و پنج، هنگام طلوع فجر و اولین کسی که او را شستشو داد، رضوان، خازن بهشت بود، با جمعی از ملائکه مقربین، به آب کوثر و سلسبیل، سپس او را شست، عمه ام حکیمه، دختر امام محمد بن علی الرضا عليه السلام سپس سؤال کردن از محمد بن علی (راوی حدیث) درباره مادرش عليها السلام، فرمود: نامش ملیکه، بوده که بعضی از روزها به او سوسن می گفتند و در بعضی روزها ریحانه و همین طور صقیل و نرجس از نامهای ایشان بوده. سپس محدث نوری (ره) گفت: از این خبر، چنین به دست می آید که وجه اختلاف در نام مادر معظم ایشان می باشد و به درستی که نامگذاری می شود به هر یک از این نامهای پنجگانه و این را روایت کرده خاتون آبادی، در اربعینه خود از ابي محمد بن شاذان.

## قرآن و قیام قطب عالم امکان و غوث زمان حضرت بقیة الله روحی و ارواح العالمین له الفداء

توضیح و تشریح آیه مبارکه:

﴿هو الذي ارسل رسوله بالهدى و دين الحق ليظهره على الدين كله و لو كره المشركون﴾<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: او (خدا) کسی است که، رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا او را بر همه آیین‌ها غالب و پیروز گرداند، هرچند مشرکین کراهت داشته باشند. اصول و فروع دین اسلام، موافق حق و طرفدار حق و خواهان حق است و چنین آیینی طبعاً و قطعاً بر همه آیین‌های جهان، پیروز می‌گردد.

### اسلام چگونه بر همه ادیان پیروز می‌گردد

در این که اسلام چگونه بر همه ادیان پیروز می‌گردد، باید گفت هم از نظر منطقی و استدلال است و هم از نظر قدرت و سلطه و اقتدار و

نیرو، بر خلاف نظریه آن عده که عقیده دارند مراد از پیروزی، منطقی و استدلالی می‌باشد، ولی با اندک دقت و توجه و بررسی در معنای «لیظهره» که از جمله اظهار است، این معنی به خوبی به دست می‌آید، که مقصود غلبه و پیروزی جسمانی و قدرت ظاهر است.

چنان که در داستان اصحاب کهف می‌خوانیم. ﴿انهم ان یظهروا علیکم یرجموکم﴾<sup>(۱)</sup>. بدیهی است که غلبه این موارد، غلبه منطقی و استدلالی نیست، بلکه غلبه عملی و دینی است، تکرار آیات در قرآن، خود دلیل و حاکی از اهمیت موضوع است و خبر از واقعه مهمی که اهمیتش موجب تکرار گردیده است، می‌باشد و این امر، خود خبر از جهانی شدن اسلام و عالمگیر شدن این آیین می‌دهد. شکی نیست که در حال حاضر این موضوع تحقق نیافته، ولی می‌دانیم که این وعده حتمی خداوند تدریجاً در حال تحقق است. سرعت پیشرفت اسلام در جهان و به رسمیت شناخته شدن این آیین در کشورهای مختلف اروپایی و نفوذ سریع در آمریکا و آفریقا، اسلام آوردن بسیاری از دانشمندان و مانند آنها، نشان می‌دهد که اسلام رو بسوی عالمگیر شدن می‌رود.

### امام زمان علیه السلام چند ساله است؟

ولادت حضرت صاحب الزمان ارواحنا فدا، در شب جمعه پانزدهم شعبان المعظم سال دویست و پنجاه و پنج هجری قمری، در سامراء واقع شد. نام و کنیه آن حضرت مطابق نام و کنیه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد. هنگام شهادت پدر بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام آن حضرت پنج ساله بود و اکنون که سال یکهزار و چهارصد و ده هجری قمری است، عمر شریف بقیة الله امام زمان علیه السلام یکهزار و یکصد و پنجاه و پنج سال می باشد که حضرتش هنوز زنده و جوان و شاداب و نیرومند و فریادرس بیچارگان و پناه بی پناهان است.

### چطور ممکن است کودک پنج ساله، امام جامعه اسلامی گردد؟

ممکن است بعضی ایراد کنند که چطور می شود، کودکی ۵ ساله، امام و رهبر جامعه اسلامی گردد؟ و آیا اصولاً امامت کودکی نابالغ صحیح است؟

پاسخ این است که این عده دچار یک اشتباه بزرگ شده اند، که خیال می کنند پیامبران و امامان علیهم السلام هم، نظیر مردم معمولی و عادی هستند، یعنی باید به حد بلوغ برسند تا لایق مقام پیامبری و امامت باشند و این پندار بسیار غلطی است، زیرا بالغ بودن شرط مقام نبوت

و امامت نیست و از طرفی هم، هزاران نفر در این عالم به حد بلوغ می‌رسند در حالی که به قد یک کودک ادراک نداشته و ندارند.

اینها که می‌گویند کودک برای امامت و رهبری صلاحیت ندارد، از این جهت است که، کودک قدرت بیان احکام شرعی و اداره حکومت اسلامی و... را ندارد و حال این که با عقیده‌ای که شیعه درباره امامت قائل است، هیچ‌گونه ایرادی وارد نمی‌شود، زیرا شیعه معتقد است که امامت یک سمت الهی است و خداوند، هر کس را که برای امامت برگزیند، او را هم مورد عنایت خاصه خود قرار می‌دهد.

بنابراین، در این صورت که خداوند مؤید امام است، چه فرق است بین کودک و شخص بالغ؟ بهترین شاهد، مناظره امام جواد علیه السلام فرزند امام رضا علیه السلام است که در سن هفت سالگی به امامت رسیده و در مجلس مأمون، چنان قاضی القضاة وقت، یحیی بن اکثم را رسوا نمود که حاضرین همه متحیر شدند، که چگونه کودکی هفت ساله، این احاطه علمی را به احکام اسلامی دارد.

آری این همان تأیید خداوند است. علاوه بر این اینگونه استبعادها مخالف صریح قرآن است، مگر نه این است که حضرت عیسی علیه السلام با این که از پیامبران اولوالعزم است، در کودکی به پیامبری می‌رسد.

﴿قال انی عبدالله آتانی الكتاب و جعلنی نبیا﴾<sup>(۱)</sup>

گفت: من بندهٔ خدایم، بر من کتاب نازل کرده و مرا پیامبر قرار داده است. و می‌فرماید: ﴿يا يحيى خذ الكتاب بقوة و اتيناه الحکم صبياً﴾<sup>(۱)</sup>

یعنی ای یحیی، کتاب را با قوت بگیر و ما مقام حکومت پیامبری را در حالی که یحیی کودک بود به آن حضرت عطا نمودیم.

### غیبت صغری

امام زمان علیه السلام دارای دو غیبت است: یکی آن که مدتش کوتاه است که غیبت صغری می‌گویند؛ و دیگر آن که طولانی است و آن را غیبت کبری می‌نامند. مدت غیبت صغری را، اگر از ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حساب کنیم ۷۴ سال است و اگر از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام حساب کنیم ۶۹ سال می‌شود، که در این مدت برای آن که غیبت آن حضرت سبب انحراف شیعیان نشود و ارتباط شیعیان از آن حضرت، بکلی قطع نگردد و تصور نکنند آن حضرت وفات کرده‌اند، لذا چهار تن از علمای بزرگ و مردان نامی و پاک سرشت شیعه، به نوبت از طرف امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به عنوان نایب خاص و رابط میان حضرت و شیعیان، منصوب گشتند. اینان در میان شیعیان معروف به سفرای امام زمان علیه السلام و نواب اربعه



هستند، که عبارتند از:

اول - عثمان بن سعید عمروی (رحمة الله عليه)

دوم - محمد بن عثمان (رحمة الله عليه)

هر دو از مفاخر علمای شیعه، و مورد وثوق امام حسن عسکری علیه السلام و حضرت صاحب الامر علیه السلام بوده‌اند.

احمد بن اسحاق می‌گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام سؤال کردم: به وظایف خود چگونه عمل کنم و احکام دینی را از چه کسی فرا گیرم؟

حضرت پاسخ داد: هر چه عثمان بن سعید و پسرش محمد بن عثمان از طرف من به تو رسانند، از من می‌رسانند و آن چه به تو می‌گویند از جانب من می‌گویند، پس از آنها بشنو و اطاعت کن که آنها موثق و امین می‌باشند، محمد بن عثمان پس از سالها خدمت به شیعیان در سال ۳۰۳ یا ۳۰۴ در بغداد دیده از جهان فرو بست.

سوم - از نواب خاص امام زمان علیه السلام دانشمند عالی قدر ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (رحمة الله عليه) است که وظیفه خطیر نیابت خود را مانند اسلاف خویش به بهترین وجه ایفا کرد. جمعی از بزرگان و سرشناسان شیعه نزد محمد بن عثمان رفتند. هنگامی که در حال احتضار بود، پرسیدند: اگر برای شما اتفاقی افتاد جانشین شما کیست؟

محمد بن عثمان فرمود: این حسین بن روح نوبختی، جانشین من است و میان شما و حضرت صاحب الامر علیه السلام سفیر و وکیل و مورد وثوق و اطمینان اوست، پس شما در کارهایتان به وی مراجعه و به او اعتماد کنید. من این مأموریت را داشتم و آن را ابلاغ نمودم. ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی نزد دوست و دشمن از همه معاصرین خود داناتر بود و در ماه شعبان سال ۳۲۶ هجری قمری وفات یافت. <sup>(۱)</sup>

چهارم - از نواب خاص حضرت صاحب الامر علیه السلام، دانشمند جلیل القدر، ابوالحسن علی بن محمد سمري (رحمة الله عليه) است که از مفاخر علمای عصر و از بزرگان شیعه بود.

شیخ صدوق (ره) از احمد بن ابراهیم نقل می کند که من در بغداد در مجلسی از بزرگان شیعه بودم. ابوالحسن سمري، بدون مقدمه گفت: خدا علی بن بابویه قمی (پدر شیخ صدوق) را رحمت کند. حضار مجلس، تاریخ آنروز را یادداشت کردند، تا آن که خبر رسید علی بن بابویه، همان روز وفات کرده بود؛ و خود ابوالحسن سمري نیز در نیمه شعبان، سال ۳۲۹ هجری قمری رحلت کرد.

## غیبت کبری

حسن بن احمد گوید: در همان سالی که ابوالحسن سمری وفات یافت من در بغداد بودم، چند روز، پیش از رحلتش، به حضور وی رسیدم و آن بزرگوار، توفیقی را که از ناحیه مقدّس (حضرت صاحب الامر علیه السلام) صادر شده بود به این عبارت برای مردم خواند.

### بسم الله الرحمن الرحيم

يا على بن السمري عظم الله اجر أخوانك فيك فانك ميت ما بينك  
و بين ستة ايام فاجمع امرك و لا توص الى احد فيقوم مقامك بعد  
وفاتك فقد وقعت الغيبة التامة فلا ظهور الا بعد اذن الله تعالى ذكره  
و ذلك بعد طول الامد و قسوة القلوب و امتلاء الارض جوراً و سيأتى  
من شيعتي من يدعي المشاهدة الا فمن ادعى المشاهدة قبل خروج  
السفياى و الصيحة فهو كذاب مفتر و لا حول و لا قوة الا بالله العلي  
العظيم.

به نام خداوند بخشنده و مهربان

ای علی بن محمد سمری، خداوند پاداش برادرانت را در مرگ تو  
بزرگ گرداند. تو تا شش روز دیگر خواهی مرد. پس به کارهای خودت  
رسیدگی کن و به هیچ کس به عنوان جانشین خود وصیت مکن که  
غیبت کامل واقع شده است. من آشکار نمی شوم، مگر بعد از اجازه  
پروردگار متعال و این هم بعد از گذشت زمانها و قساوت دلها و پر

شدن زمین از ستم خواهد بود و به زودی در میان شیعیان کسانی پیدا می‌شوند که ادعا می‌کنند مرا دیده‌اند. هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعا کند که مرا دیده است، دروغگوست (مقصود کسانی است که ادعا می‌کنند حضرت را دیده‌اند و از جانب وی نیابت دارند که مانند نواب اربعه اخبار آن حضرت را به شیعیان برسانند.)<sup>(۱)</sup>

علامه مجلسی می‌فرماید: «لعله محصول علی من یدعی المشاهده مع النیابه»

حسن بن احمد می‌گوید: ما از روی این توقیع، نسخه‌ها برداشتیم. دیدیم در حال احتضار است و در آن حال از وی پرسیدند جانشین شما کیست؟ گفت: خدا را امری است که خود رساننده آن است. این را گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد.<sup>(۲)</sup>

### نیابت عامه

پس از وفات علی بن محمد سمري و غیبت کبری، نیابت عامه به علمای اعلام و فقهای عظام رسید، زیرا در نامه‌ای که از طرف امام زمان علیه السلام در پاسخ نامه اسحق بن یعقوب که به وسیله محمد بن عثمان عمروی آمده بود و در ضمن پاسخ گفتن سؤالات او، نوشته بود: «واما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتي

## علیکم وانا حجة الله علیهم»

واما در حوادثی که پیش می آید، مراجعه کنید به راویان حدیث ما، که آنها حجّت منند بر شما و من حجّت خدا بر آنان.

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خدایا جانشینان مرا رحمت کن و این سخن را سه بار تکرار فرمود.

پرسیده شد که ای پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم جانشینانت چه کسانی هستند؟ فرمود کسانی که بعد از من می آیند، حدیث و سنت مرا نقل می کنند و آن را پس از من به مردم می آموزند.

از این دو حدیث و احادیث بسیار دیگر، معلوم می شود که چون علما و فقها نقش پیامبر و امام را در زمان غیبت ایفا می کنند، نیابت عامّه از طرف حضرت ولی عصر علیه السلام را دارند.

## توسّل به حضرت قائم علیه السلام

فقط یک پسر داشتم و خیلی مورد علاقه ام بود، اتفاقاً مریض شد و روز به روز حالش بدتر می شد. دوا و دکتر هم عاجی نکرد. دلم گرفته بود، به هر که می رسیدم دست به دامنش می شدم. هر سید و عالمی را که می دیدم التماس دعا می گفتم. کم کم داشتم از پسرک دل می کردم، ده روز تمام بود که روی بستر افتاده بود. شب یازدهم بیماری اش سنگین تر شد، در تب شدید می سوخت، اهل خانه به

حالش می‌گریستند و می‌گفتند: علی محمد رفتنی است. عقده گلویم را گرفت، جای خلوتی می‌خواستم، تا عقده دلم را خالی کنم. آهسته از خانه بیرون رفتم و به بالای بام آمدم، رو به قبله، بنا کردم به گریه و ناله.

مرحوم ملا باقر بهبهانی می‌گوید: در این هنگام متوسل شدم به حضرت قائم علیه السلام و شروع کردم به تضرع و زاری، هی می‌گفتم: یا صاحب الزمان اغثنی؛ یا صاحب الزمان ادرکنی؛ اشک می‌ریختم و خودم را به خاک انداخته ناله می‌زدم. بعد از چند لحظه‌ای به خانه آمدم، کنار بیمار رفتم، با کمال تعجب دیدم در فاصله‌ای کوتاه تبش شکسته و درد برطرف شده و عرق کرده و به برکت حضرت صاحب الامر علیه السلام خداوند او را عافیت بخشیده است، خدا را شکر کرده و او را بر این نعمت سپاس‌گزاری کردم.<sup>(۱)</sup>

### تو هستی که می‌توانی شراب را مبدل به سرکه کنی

حضرت رسول اکرم ﷺ از کوچه‌ای عبور می‌کرد، جوانی از سوی دیگر در حالی که ظرف شراب بر سر داشت، می‌آمد، همین که آن حضرت را دید، ترسید و متغیر شد و خواست فرار کند، راهی برای فرار نیافت، در دل به خدا توجه پیدا کرد و با نیتی پاک و صادق



گفت: خدایا اگر این بار، پرده پوشی کنی، برای همیشه این گناه را کنار می‌گذارم. آنگاه ترسان و لرزان آمد، تا به آن حضرت رسید و سلام کرد. حضرت پس از جواب سلام، فرمود: ای جوان در ظرف چیست؟ گفت سرکه است یا رسول الله، فرمود، ببینم. جوان ظرف را سرازیر کرد و با ترس و ناراحتی، مقداری از آن در کف دست رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ریخت، سرکه‌ای صاف و پاکیزه بود. جوان بسیار تعجب کرد و گفت: یا رسول الله! سوگند به آن خدایی که ترا به حق فرستاده است، در این ظرف شراب ریخته بودم. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: راست می‌گویی ولیکن هنگامی که مرا از دور دیدی، چه نیت کردی؟ گفت توبه کردم و گفتم: بار الها اگر این بار مرا رسوا نکنی، این گناه را کنار می‌گذارم. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: چون خدای تعالی از نیت تو صدق و راستی دید، شراب را مبدل به سرکه کرد. <sup>(۱)</sup>


آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند

آیا شود که گوشه چشمی به ما کنند

دعای شب قدر از امام زمان علیه السلام

«اللَّهُمَّ ان كنت من الاشقياء، فامحني من الاشقياء واكتبني من  
السَّعْدَاء»

بار الها چه شود که این بنده را از بدبختی و شقاوت نجات دهی و  
در زمرة بندگان صالح و خوشبخت خود درآوری، تو هستی که  
می توانی شراب را مبدل به سرکه کنی.



چند تشرّف به خدمت

حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه

### چرا دعای فرج نمی خوانی؟

در بغداد، مرکز حکومت عراق، شخصی به نام ابوالحسین بن ابی البخل، کارمند یکی از وزارتخانه‌ها بود. می‌گوید: وزیر، کاری را به من واگذار نمود که انجام دهم، سرانجام به خاطر آن کار، بین ما اختلافی به وجود آمد و چون او مرد خطرناکی بود، ناچار شدم که برای حفظ جانم خود را پنهان کنم. مدت‌ها مخفی بودم و در بیم و هراس بسر می‌بردم، تا این که تصمیم گرفتم، برای نجات خودم به کاظمین بروم و متوسل به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شوم.

شب جمعه‌ای بود، نم‌نم باران می‌بارید، باد سردی می‌وزید. من از محله کرخ که، یکی از محله‌های بغداد است، در آن شب تاریک، مخفیانه به طرف کاظمین، که فاصله بین بغداد و کاظمین پنج کیلومتر است، روانه شدم. هنگامیکه به آنجا رسیدم، اول متولی حرم مطهر را دیدم و از او خواهش کردم وقت بستن درهای حرم مطهر، من را از

داخل حرم، بیرون نکند، او هم قبول کرد. صبر کردم تا رفت و آمد مردم قطع شد، ضمناً باران خیلی شدید و مانع رفت و آمد بود. نیمه‌های شب، با خاطر جمع وارد حرم شدم، متولّی، درهای حرم را بست و قول داد که هیچ کس را به حرم راه نمی‌دهم.

تک و تنها، در حرم مطهر، مشغول دعا و زیارت شدم و به گریه و زاری پرداختم. ساعتی پیش گذشته بود که صدای پای شنیدم، نگاه کردم، جوان خوش قیافه‌ای دیدم که لباس سفید بر تن و عمامه زیبایی دارد که یک سر عمامه را از زیر گلو رد کرده و روی دوش افکنده و عبایی بر شانه دارد. با وقار و ادب خاصی در برابر ضریح مطهر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ایستاده و زیارت می‌کند، گوش کردم شنیدم که سلام کرد به حضرت آدم علیه السلام و پیغمبران اولوالعزم و بر یکایک امامان علیهم السلام ولی اسمی از امام زمان علیه السلام نبرد، در شگفت شدم. با خود گفتم: درها که بسته بود، این مرد از کجا آمد و چرا بر امام عصر علیه السلام سلام نکرد، شاید از آن حضرت یادش رفته یا ممکن است یازده امامی باشد.

به هر حال، پس از زیارت، دو رکعت نماز خواند، آن گاه به سوی ضریح مطهر ابی جعفر جواد الاثمه علیه السلام آمد و مانند همان زیارت و نماز را بجا آورد. سپس رو به من کرد و فرمود: ای ابوالحسین بن ابي البخل چرا دعای فرج نمی‌خوانی؟

گفتم دعای فرج چیست؟

فرمود: دو رکعت نماز بخوان و بعد بگو:

( یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح، یا من لم یؤاخذ بالجریره و لم یهتک السّتر، یا عظیم المنّ یا کریم الصّفح، یا حسن التّجاوز، یا واسع المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة، یا منتهی کلّ شکوی، یا عون کلّ مستعین، یا مبتدئ بالنعّم، قبل استحقاقها، یا ربّاه (ده مرتبه) یا غایة رغبتاه (ده مرتبه) اسئلك بحق هذه الاسماء و بحق محمّد و آله الطّاهرین علیهم السّلام الاّ ما کشفتم کربی و نفست همّی و فرجت غمّی و اصلحت حالی.)

سپس هر چه می خواهی دعا کن و حاجت خود را بخواه، آن گاه صورت راست را بر زمین بگذار و صد مرتبه بگو: «یا محمّد یا علی، یا علی یا محمّد، اکیانی فانکما کافیان و انصرانی فانکما ناصران» و صورت چپت را بر زمین بگذار و صد مرتبه بگو: ادرکنی و به قدر یک نفس بگو: الغوث، الغوث، الغوث و سر از سجده بردار، که انشاء الله خداوند حاجتت را روا می گرداند.

ابوالحسین می گوید: مشغول آن نماز و دعا شدم و آن آقا، از حرم بیرون رفت. پس از انجام آن دستورات، خواستم از حرم بیرون شوم و از متولّی پرسش کنم، دیدم درهای حرم همه قفل است. با خود گفتم: شاید در دیگری هست که من نمی دانم، به طرف اتاق متولّی رفتم، او



را دیدم که به طرف من می آید، به او گفتم: بنا نبود که کسی به حرم وارد شود، گفت چطور؟ مگر کسی را دیدی؟ گفتم آری، آقای را دیدم که به من دعایی و نمازی تعلیم داد، گفت: به به، خوشا بحالت، او مولای ما صاحب الزمان علیه السلام است و من بارها در شبهای خلوت، آن حضرت را در این جا دیده‌ام، که سرگرم زیارت بوده‌اند.

ابو الحسین می گوید: از این که امام زمانم را نشناختم متأسف شدم و هنوز هوا روشن نشده بود که از کاظمین به طرف محله کرخ، روانه شدم و در مخفی‌گاه سابقم پنهان شدم، اما صبح آن روز، چیزی از روز گذشته بود که یکی از دوستان صمیمی من، به اتفاق چند تن از مأموران وزیر، در حالی که امان نامه‌ای به خط خود وزیر همراه داشتند نزد من آمدند و از من خواستند که به اتفاق آنها نزد وزیر بروم و به من اطمینان دادند که مورد لطف او قرار خواهم گرفت.

با توکل بر خدا و به همراهی آنان، نزد وزیر رفتم، تا چشمش به من افتاد، از جا پرید و به استقبال آمد و به طرز بی سابقه‌ای مرا در آغوش گرفت و گفت: کازت به جایی رسیده که شکایت مرا به حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بنمایی؟ گفتم: من دعایی کردم و از آن حضرت مسألتی نمودم. گفت: وای بر تو، دیشب که شب جمعه بود، در خواب دیدم که آن حضرت امر کرد مرا به مهربانی نسبت به تو و تهدید کرد مرا به طوری که بر خود بیمناک شدم. گفتم: لا اله الا الله.

گواهی می‌دهم که آن حضرت بر حق است و دیشب اگر تو او را در خواب دیده‌ای، من آن آقا را در بیداری دیدم و به من دعایی و نمازی تعلیم دادند. وزیر از این پیش آمد در شگفت گردید و از آن روز نسبت به من فوق العاده مهربان شد و از برکت حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، نسبت به من خدماتی انجام داد که هرگز گمان آن را نداشتم.

#### دیدار شهید ثانی با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

با قافله از دمشق به مصر می‌رفتیم، منازل را طی کردیم تا به منزل رمله رسیدیم. در آن جا مسجدی است معروف به جامع ابیض، با خود گفتم تا اهل قافله استراحت می‌کنند من به این مسجد بروم و بعضی پیامبران را که در آن جا مدفونند زیارت کنم.

شهید ثانی می‌گوید: به دنبال این تصمیم، خود به تنهایی روانه شدم، وقتی به آن مسجد رسیدم دیدم در بسته است، قفلی هم به در زده شده قفل را کشیدم، باز شد، وارد مسجد شدم و به عبادت پرداختم و در تنهایی و خلوت حالی پیدا کردم، که قدری طول کشید. وقتی به محل قافله برگشتم، دیدم همه رفته‌اند و زاد و توشه و مرکب را هم برده‌اند، ناچار به دنبال آنها روانه شدم، هرچه رفتم به آنها نرسیدم، خسته و مانده شده، تک و تنها، پیاده و رنجور، ناگهان آقای

را دیدم که سوار بر مرکبی است، به من نزدیک شد و فرمود: در ردیف من سوار شو، با خوشحالی سوار شدم، مثل برق می‌رفت، چیزی نگذشت که به کاروان رسیدم. فرمود: اینها رفقای تو اند، مرا از مرکب پیاده کرد و خود از نظرم ناپدید شد. (۱)

### زیارت سید محمد پسر امام هادی علیه السلام و دیدار با امام زمان علیه السلام در هشت فرسخی سامرا

سید بزرگواری از اهل علم و تقوی، نقل کرد که از سامرا به زیارت حضرت سید محمد علیه السلام می‌رفتم، راه را گم کردم، هرچه رفتم راه را پیدا نکردم. تشنگی و خستگی مرا از پای در آورد، از گرمای شدید و عطش فراوان، روی خاکهای گرم افتاده و بی‌هوش شدم. ناگهان چشم گشودم، سرخود را بر زانوی شخصی دیدم، کوزه آبی داشت، قدری به من آشامانید، هرگز به شیرینی و خوشگواری آن نچشیده بودم، سفره نانی داشت، دو سه قرص نان در آن بود، به من غذا داد. سپس فرمود: یا سید در این نهر آب، خود را شستشو بده، گفتم: برادر اینجا که نهری نیست، من از تشنگی مشرف به هلاکت بودم، شما به داد من رسیدید، فرمود: این آب جاری و خوش گواری است. تا نگاه کردم، دیدم نهر با صفایی است، در شگفت شدم، با خود گفتم: نهر آب به

این نزدیکی، من داشتم از تشنگی می مردم.

آن شخص فرمود: یا سیدِ قصدِ کجا داری؟ عرض کردم حرم مطهر حضرت سید محمد علیه السلام. فرمود: این حرم سید محمد علیه السلام است، تا نگاه کردم دیدم نزدیک حرم و حال این که از جایی که راه را گم کردم تا حرم مسافت زیادی بود.

راه افتادیم به طرف حرم، ضمناً در بین راه مطالبی فرمودند، که در خاطرم سپردم:

۱- تأکید در تلاوت قرآن شریف و انکار شدید کسانی که معتقدند قرآن تحریف (زیاد و کم) شده، حتی نفرین فرمودند بر آنهایی که، حدیثهای تحریف را جعل کرده اند.

۲- تأکید در گذاردن عقیقی که نامهای مقدسه معصومین علیهم السلام بر آن نوشته شده، زیر زبان میت.

۳- تأکید در نیکی کردن به پدر و مادر حیا و میتاً.

۴- تأکید در زیارت بقاع متبرکه ائمه علیهم السلام و امامزاده‌ها و قبور صلحا و علما.

۵- تأکید در احترام به سادات و ذریه علویه و فرمودند: یا سید قدر انتساب به خاندان رسالت را بدان و این نعمت را بسیار سپاس گزاری کن که موجبات سعادت و سربلندی است.

۶- تأکید مجدد فرمودند در قرآن خواندن و نماز شب، فرمودند: یا

سید حیف است از اهل علم که خود را وابسته به ما بدانند و مداومت بر نماز شب نمایند.

۷- سفارش فرمودند درباره تسبیحات حضرت زهراء عليها السلام و زیارت حضرت سیدالشهداء عليه السلام از دور و نزدیک.

۸- تأکید در حفظ کردن خطبه حضرت صدیقه طاهره در مسجد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و خطبه شقشقیه حضرت امیر عليه السلام و خطبه حضرت زینب عليها السلام در مسجد یزید، در این حال به این اندیشه فرو رفتم که این شخص عرب کیست؟ شاید امام زمان عليه السلام است، یک مرتبه دیدم تنهایم و کسی با من نیست.

### زائر امام رضا عليه السلام و دیدارش با امام زمان عليه السلام

سید محمد جبل عاملی می گوید: پس از سالها آرزو و امید، سرانجام، زیارت حضرت رضا عليه السلام نصیبم شد و به زیارت آن حضرت شرفیاب شدم، ولی در مدت کوتاهی پولهایم تمام شد و در تنگدستی و سختی قرار گرفتم.

صبح آن روزی که بنا بود قافله زائرین از مشهد حرکت کند، من به قدری در مضیقه بودم که حتی قرص نانی هم نداشتم، لذا از رفتن منصرف شدم و قافله رفت و من تا ظهر بلا تکلیف ماندم. در این اندیشه فرو رفتم که اگر با فقر و تنگدستی در این جا بمانم، زمستان از

سرما از بین می‌روم. به حرم مطهر مشرف شدم و به گریه و زاری پرداختم و شرح حال را برای مولایم، امام رضا علیه السلام بیان کردم و از فقر و تنگدستی به آن حضرت شکایت کردم.

آن‌گاه با خاطری آسوده و دلی غمگین، از حرم خارج شدم و با همین گرسنگی، به دنبال قافله، از دروازه مشهد بیرون شدم و از چند نفر راه را جویا شدم و تک و تنها به راه افتادم، ولی هرچه رفتم به جایی نرسیدم، تا این‌که در بیابان وسیع و دشت پهناور، متحیر و سرگردان ماندم. متوجه شدم که بیراهه آمده‌ام و در نتیجه راه را گم کرده‌ام، تشنگی و گرسنگی سختی، به من رو آورد و در آن بیابان بسیاری حنظل (شبه هندوانه ابوجهل و تلخ است) شکستم، شاید یکی از آنها هندوانه باشد و از تشنگی نجات پیدا کنم، ولی همه‌اش تلخ و زهرآگین بود. به کلی ناامید و آماده مرگ شدم و به گریه و زاری و توسل پرداختم. در این هنگام، جای بلندی به نظر آمد، خودم را به آن جا رساندم، دیدم چشمه آب است، خدا را سپاس نمودم، با خود گفتم: آب بنوشم و وضو بگیرم نمازم را بخوانم، که اگر مردم نمازم را خوانده باشم.

مشغول نماز شدم، هوا کم‌کم تاریک شد، صداهای جانوران و درندگان از اطراف به گوش می‌رسید. نماز عشاء را که خواندم، وحشت سراپایم را گرفته بود، چشمان بعضی از حیوانات از دور،



مانند چراغ می درخشید. با مرگ فاصله زیادی نداشتم، سرانجام بر اثر کثرت خستگی و رنج، تن به قضا داده، خوابیدم. هنگامی بیدار شدم که ماه طلوع کرده، هوا روشن و صدای درندگان خاموش شده بود، در این حال سواری نمایان گردید. با خود گفتم: این سوار مرا می کشد، اما آن سوار همین که به من رسید، سلام کرد. با خوشحالی پاسخ دادم. فرمود: چه می کنی؟ اشاره به ضعف و ناتوانی خود کردم.

فرمود: در پهلوی تو سه تا خربزه است، چرا نمی خوری؟

گفتم: مرا مسخره می کنی؟

فرمود: نگاه کن، تا نگاه کردم، دیدم بوته خربزه ای است که سه تا خربزه بزرگ دارد. فرمود: یکی را الان بخور تا گرسنگی ات برطرف شود، نصف یکی را فردا صبح بخور و نصف دیگر آن را با یک خربزه دیگر با خود ببر و از این راه مستقیم برو و فردا نزدیک ظهر، نصف خربزه را بخور، و خربزه دیگر را نگهدار که لازم می شود.

هنگام غروب، به خیمه سیاهی می رسی که آنها تو را به کاروان می رسانند، این را گفت و از نظر غایب شد.

من یکی از خربزه ها را شکستم و خوردم، به قدری شیرین و لطیف بود که هرگز به آن خوبی خربزه نخورده بودم، سپس برخاسته و دو خربزه دیگر را برداشته و راه افتادم. تا صبح یکی از آنها را شکسته نصف آن را خوردم و روانه شدم. هنگام ظهر هوا به شدت گرم شده بود، نصف دیگر آن را خوردم و خربزه سوم را برداشته و روانه شدم.

نزدیک غروب از دور خیمه‌ای دیدم همینکه اهل خیمه مرا دیدند با شتاب به سوی من آمدند، مرا گرفته نزد بزرگشان بردند، نه من زبان فارسی می‌دانستم و نه آنها زبان عربی. او به من گفت: از کجا می‌آیی؟ راست بگو و الا ترا می‌کشم. به هر سختی بود، به او فهماندم که روز گذشته از مشهد آمده‌ام و راه گم کرده‌ام. گفت: ای سید دروغگو. این جاها که تو می‌گویی، هیچ کس نمی‌تواند عبور کند مگر این که تلف شود، یا جانوران او را می‌خورند و علاوه بر این از این جا تا مشهد، راه بسیاری است، چگونه آمدی؟

راست بگو و الا با این شمشیر تو را می‌کشم، در این هنگام خربزه از زیر عبای من نمایان شد، پرسید این چیست؟

جریان را هر طور بود، به او فهماندم، گفتند: در این بیابان اصلاً خربزه نیست، مخصوصاً از این نوع که هرگز دیده نشده. سپس با زبان فارسی با هم شروع کردند به سخن گفتن، مثل این که مطمئن شدند، که این معجزه است، پس آمدند دست مرا بوسیدند و احترام بسیار کردند و لباسهای مرا به عنوان تبرک بردند و جامه‌های پاکیزه برایم آوردند. دو شبانه روز از من پذیرایی کردند، روز سوم، با کمال محبت، ده تومان به من دادند و سه نفر را همراهم نموده و مرا به قافله رساندند. (۱)

A decorative border with a repeating floral and vine motif, featuring stylized leaves and flowers, framing the central text.

یک داستان شگفت

و سه رویای صادق

(۱)

### داستان شگفت در کاخ زیبای قیصر روم

جشن مفصلی بود، کاخ زیبای پادشاه روم، به انواع زینتها آراسته شده، سیصد نفر از راهبان مسیحی و بیش از هفتصد نفر از اعیان و اشراف و بزرگان مملکت روم در این جشن شرکت کرده‌اند. قیصر می‌خواست نرجس، دختر پسرش یشوعا (که از طرف مادر نسبش به حضرت شمعون، وصی حضرت عیسی علیه السلام می‌رسد) را برای پسر برادرش تزویج کند. تخت زیبایی که به انواع جواهرات آراسته بود و بر روی چهل پایه قرار داشت، آماده کردند. پسر را روی تخت نشانده، صلیبها را بر بلندیا گذاشته، اسقفها صف کشیدند، انجیلها را گشودند و آماده اجرای مراسم عقد شدند. ناگهان صلیبها روی زمین ریخت و پایه‌های تخت درهم شکست و جوان از بالای تخت بر زمین افتاد و بی‌هوش شد. رنگ اسقفها پرید و بدنها به لرزه درآمد. کشیشان این حادثه را به فال بد گرفته و از قیصر خواستند که از انجام این کار بگذرد ولی سلطان روم دستور داد دوباره تخت را مرتب کنند، صلیبها را

جای خود قرار داده و برادر آن جوان را روی تخت بنشانند و نرجس را برای او عقد کنند، اما بار دوم نیز همین که کشیثها آماده انجام مراسم شدند، صدای شکستن تخت به گوش رسید و صلیبها درهم ریخت و جوان بیچاره بر زمین غلتید. مهمانها متفرق شدند و قیصر روم شرمنده و غمگین به حرم سرا برگشت.

(۲)

### خواب شیرین نرجس خاتون علیها السلام

در همان شب نرجس خاتون، در خواب دید که حضرت عیسی علیه السلام و شمعون و گروهی از یاران عیسی علیه السلام به قصر جدش پادشاه روم آمده‌اند و در جای تخت، منبری که نور از آن می‌درخشید، قرار دارد. چیزی نگذشت که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیغمبر خاتم و جانشین وی و جمعی از فرزندان او، وارد قصر شدند. حضرت عیسی علیه السلام به استقبال رفت و با آن حضرت معانقه کرده، خوش آمد گفت.

پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یا روح الله من به خواستگاری دختر وصی شما، شمعون برای فرزندم (اشاره کرد به امام حسن عسکری علیه السلام) آمده‌ام. حضرت عیسی علیه السلام نگاهی به شمعون کرده گفت: سعادت بزرگ به تو روی آورده است، قبول کن خویشاوندی با آل پیامبر اسلام را، شمعون نیز پذیرفت.

سپس پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بالای منبر رفت و خطبه‌ای انشاء

فرمود و نرجس را به عقد امام حسن عسکری علیه السلام در آورد و حضرت عیسی علیه السلام و حاضرین را گواه گرفت. در این هنگام، نرجس از خواب بیدار شد ولی از آن محفل زیبا اثری نیافت، اما دیدن این خواب، نشاط و سروری در جسم و روح او به وجود آورد و خواب را برای کسی نقل نکرد.

از آن شب به بعد قلبش در فراق امام حسن عسکری علیه السلام می تپید و از خوراک و خواب ماند، رنجور و لاغر و بیمار گردید. به معالجه او پرداختند، ولی پزشکان از معالجه او ناامید شدند. جدش قیصر به دیدنش آمد و گفت: نور دیده هر خواهشی داری بگو تا در انجام آن بکوشم. گفت: پدر جان قدری با اسرای مسلمین مهربانی کن، شاید عیسی و مریم علیهما السلام مرا شفا دهند. قیصر تقاضای او را پذیرفت، نرجس هم از خود حال بهتری نشان داد و جدش خشنود گردید.

(۳)

### خواب شیرین‌تر و دیدار ملکه اسلام، حضرت زهرا علیها السلام

چهارده شب بعد، خواب دیگری دید. این بار ملکه اسلام حضرت زهرا علیها السلام و حضرت مریم علیها السلام و حوریان بهشتی را دید که به دیدن او آمده‌اند. حضرت مریم علیها السلام به نرجس فرمود: این بانو سیده زنان و مادر امام حسن عسکری علیه السلام است، یعنی همان کسی که او را در خواب دیده‌ای و تو را برای او خواستگاری کردند.

نرجس خود را در آغوش فاطمه علیها السلام انداخت و سخت گریست و گله کرد که من از فراق فرزندان می‌سوزم، چرا او نزد من نمی‌آید؟ حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: تو مشرکی، پسر من به دیدار مشرک نمی‌رود، خواهر من مریم از دین تو بیزار است. در این موقع نرجس فوراً، شهادت به یگانگی خدا و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امامت علی علیه السلام و فرزندان او داد و مسلمان شد.

فاطمه علیها السلام نرجس را به سینه خود چسبانید و فرمود: از این پس منتظر باش که فرزندم به دیدنت خواهد آمد.



(۴)

### خواب وصال نرجس خاتون علیها السلام و امام حسن عسکری علیه السلام

شب بعد امام یازدهم علیه السلام ، در خواب به دیدن او رفت و فرمود:  
 هر شب به دیدنت می آیم تا وقتی که من و تو در ظاهر به هم برسیم.  
 نرجس گفت: چگونه من و تو به هم خواهیم رسید؟  
 امام علیه السلام فرمود: جدت قیصر لشکری به جنگ مسلمانان  
 می فرستد، تو هم به طور ناشناس و در لباس خدمتگزاران، همراه  
 عده‌ای از کنیزان به آنان ملحق شو. طولی نکشید که جنگ سختی بین  
 مسلمانان و رومیان در گرفت و پس از مدتی زد و خورد به پیروزی  
 مسلمین تمام شد و نرجس را هم با سایر زنان به اسارت بردند.  
 این جنگ در سال ۲۴۸ هجری قمری روی داد و در این سال  
 حضرت امام حسن عسکری علیه السلام شانزده ساله بود. کشتی حامل  
 اسیران به ساحل فرات رسید و برده فروشان کنیزان را در معرض  
 فروش گذاردند. نرجس که لباس حریر سفید بر تن داشت، به وسیله  
 عمروبن یزید (برده فروش) در معرض فروش گذارده شده بود.

امام علی النقی علیه السلام که در شهر سامراء زندگی می کرد به غلام خود (کافور) دستور داد تا فوراً بشر بن سلیمان را که از دوستان آن حضرت بود، احضار نماید. پس از این که (بشر) خدمت امام هادی علیه السلام آمد، حضرت به او فرمود: ای بشر تو از اولاد انصار هستی، دوستی شما با ما همیشگی خواهد بود و تو مورد اعتماد مایی اکنون تو را از یک راز آگاه می کنم که موجب سرافرازی توست. می خواهم تو را مأمور کنم، برای خرید یک کنیز، درست به گفتار من دقت کن.

آنگاه حضرت نامه ای به زبان رومی نوشت و مهر کرد و به او دو بیست و بیست دینار داد و فرمود: این پول را بگیر و به بغداد برو در کنار فرات، وکلای عباسیان مشغول خرید بردگان هستند. تو پیش عمرو بن یزید برده فروش برو، نزد او کنیزی از بزرگ زادگان است که لباس حریر به تن دارد و از این که او را به مشتریان نشان دهند یا این که دست به بدنش بگذارند ممانعت می کند. بعضی از افراد به خاطر این که کنیزی با عفت است می خواهند او را به سیصد دینار خریداری کنند ولی او حاضر نمی شود. تو نزد او برو و بگو من نامه ای از یکی از بزرگان به زبان رومی برای تو آورده ام، صاحب نامه اخلاق و خصوصیات خود را شرح داده است. نامه را بخوان، اگر مایل شدی، من وکیل او هستم و تو را برای او خریداری می کنم.

بشر می گوید: من به بغداد رفتم و به همان کیفیت که امام علیه السلام

دستور داده بود، عمل کردم. همین که نامه را به دست کنیز دادم، نرجس نامه را بوسید و بر دیده نهاد و به عمرو بن یزید برده فروش گفت: من به صاحب این نامه راضی هستم، به خدا اگر مرا به او نفروشی خودم را می‌کشم. بشار با پولی که همراه داشت و حضرت به او داده بود نرجس را خریداری کرد و او را نزد امام علیه السلام به سامرا آورد.

حضرت امام علی النقی علیہ السلام به نرجس فرمود: مژده باد تو را، فرزندی که حکومت کند بر شرق و غرب جهان و زمین را پر از عدل و داد گرداند، پس از آن که پر شده باشد از ظلم و ستم؛ و سپس او را به حکیمه خاتون خواهرش سفارش کرد تا احکام اسلام را به او بیاموزد و وسیله ازدواج با امام حسن عسکری علیہ السلام فراهم شد و در نتیجه، مادر گرامی حضرت صاحب الامر امام زمان علیه السلام گردید.

A decorative border with intricate floral and vine patterns surrounds the text. The top and bottom corners feature large, symmetrical floral motifs, while the sides are decorated with a continuous vine and leaf pattern.

چهل حدیث در ارتباب

با آقا امام زمان علیه السلام

(۱)

دعای زیاد برای فرج امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

قال الامام الحجة عليه السلام : وأكثرُوا الدعاء بتعجيل الفرج، فإن ذلك فرجكم. (۱)

حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) در توقیعی که برای اسحاق بن یعقوب فرستاده‌اند، فرمودند: برای تعجیل در فرج و ظهور زیاد دعا کنید که فرج و گشایش شما این است.

(۲)

برترین عبادتها

قال رسول الله ﷺ : أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ، أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ. (۲)

رسول خدا، حضرت محمد ﷺ فرمودند: برترین عبادت، انتظار فرج است.

(۳)

**انصار حضرت مهدی** (عجل الله تعالى فرجه الشريف) **در شهر طالقان**  
قال امیرالمؤمنین علی علیه السلام: **ویمحاً للطالقان فان لیه فیها، کنوزاً**  
**لیست من ذهب و لا فضّه، ولکن بها رجال عرفوا الله حقّ معرفته،**  
**وهم انصار المهدي آخر الزمان.** (۱)

امیرالمؤمنین، حضرت علی علیه السلام فرمودند: خوشا به حال شهر  
طالقان که برای خدا در آن شهر، گنجهایی که نه از طلا و نه از نقره  
است وجود دارد، ولیکن در آن شهر مردانی هستند که خداوند را در  
اعلا درجه از معرفت شناخته‌اند و آنان یاران حضرت مهدی  
(عجل الله تعالى فرجه الشريف) در آخر الزمان می‌باشند.

(۴)

**یاران حضرت مهدی** (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

قال امیرالمؤمنین علی علیه السلام: **اصحاب المهدي شباب لا كهول**  
**فیهم.** (۲)

امیرالمؤمنین، حضرت علی علیه السلام فرمودند: یاران حضرت مهدی  
(عجل الله تعالى فرجه الشريف) جوانند و پیر نیستند.

(۵)

امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) و انگیزه نام شهر قم

عن عفان البصري عن ابي عبدالله عليه السلام قال: قال لي اتدري لم سمي قم، قلت الله و رسوله وانت اعلم، قال: أنها سمي قم لأن اهلها يجتمعون مع قائم آل محمد صلوات الله عليه و يقومون معه و يستقيمون عليه و ينصرونه. (۱)

عفان بصری گفت: امام صادق عليه السلام به من فرمودند: آیا می دانی چرا شهر قم، قم نام گرفت؟ گفتم: خدا و رسولش و تو بهتر می دانید. فرمود: قم نام گرفت چون که مردمش با قائم آل محمد عليه السلام جمع می شوند و همراه آنحضرت قیام می کنند و از خود استقامت نشان می دهند و او را یاری می دهند.

(۶)

خوراک و پوشاک امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

عن ابي عبدالله الحسين بن علي عليه السلام انه قال: اذا خرج المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) لم يكن بينه و بين العرب الا السيف، وما يستعجلون بخروج المهدي عليه السلام والله ما لباسه الا الغليظ، وما طعامه

الا الشعير، وما هو الا السيف و الموت تحت ظل السيف. (۱)

امام حسین عليه السلام فرمودند: زمانی که حضرت مهدی عليه السلام خروج فرماید بین آن حضرت و مردم عرب به جز شمشیر کارگر نیست، و چرا در خروج حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) عجله می کنند؟ به خدا سوگند پوشاک او جز لباس ضخیم و خوراک او جز جو نیست و ظهور او جز شمشیر و مرگ در سایه شمشیر نیست.

(۷)

در حرمت انکار قیام قائم آل محمد عليهم السلام

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: من انكر القائم من ولدي في زمان غيبته مات ميتة الجاهلية. (۲)

حضرت رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: هر کس منکر قائم از فرزندانم در زمان غیبتش شود به مرگ جاهلیت می میرد.

(۸)

منتظرین فرج حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

قال الرضا عليه السلام: ما احسن الصبر و انتظار الفرج، اما سمعت قول الله عزوجل: (فارتقبوا اني معكم رقيب) و (فانتظروا اني معكم من)



المنتظرین) فعلیکم بالصبر فانه انما یجیبی الفرج علی الیأس فقد کان الذین من قبلکم اصبر منکم. (۱)

امام رضا علیه السلام فرمود: چقدر صبر داشتن و منتظر فرج بودن خوب است، آیا نشنیدی قول پروردگار را که فرمود: «منتظر باشید که من هم با شما منتظرم» و «انتظار بکشید که من هم با شما از منتظرانم». پس بر شما باد که صبر نمایید، زیرا به هنگام یأس فرج می رسد و پیشینیان صبرشان از شما بیشتر بود.

(۹)

علت ایستادن هنگام شنیدن نام حضرت قائم علیه السلام

سئل الصادق علیه السلام عن سبب القيام عند ذکر لفظ القائم من القاب الحجة قال: لان له غیبة طولانیة و من شدة الرأفة الی احبته ینظر الی کل من ینکره بهذا اللقب المشعر بدولته و الحسرة بغربته و من تعظیمه ان یقوم العبد الخاضع لصاحبه عند نظر المولی الجلیل الیه بعینه الشریفه فلیقم و لیطلب من الله عزوجل ذکره تعجیل فرجه. (۲)

از امام صادق علیه السلام سؤال شد چرا با شنیدن لفظ قائم از القاب حضرت حجّت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باید ایستاد؟ فرمود: چون که آن حضرت غیبت طولانی دارد و از مهربانی بسیار آن بزرگوار به

دوستانش آن است که هر کس آن حضرت را با لقب قائم که از دولت او و غربتش حکایت می‌کند یاد کند، مورد عنایت قرار می‌دهد و از آداب تعظیم آن حضرت، یکی هم همین است که به هنگام نظر کردن آن حضرت، بنده خاضع از جا برخیزد و از خداوند تعجیل فرج او را بخواهد.

(۱۰)

منکر حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ کافر است

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : من انكر خروج المهدي، فقد كفر بما انزل على محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ . (۱)

حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند: کسی که منکر خروج حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ باشد، محققاً کافر شده است به آنچه بر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نازل گردیده است.

(۱۱)

فضیلت انتظار فرج مهدی موعود (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

قال امير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ : المنتظر لأمرنا، كالمتشحط بدمه في سبيل الله. (۲)

حضرت امام علی علیه السلام فرمود: کسی که منتظر امر و فرمان ما باشد، همانند کسی است که در راه خدا در خون خود غلتیده است.

(۱۲)

عیسی مسیح علیه السلام با امام زمان علیه السلام ظاهر می‌شود

عن سدير الصيرفي قال: دخلت انا و المفضل بن عمر و ابوبصير و ابان بن تغلب على مولانا ابي عبدالله جعفر الصادق عليه السلام ، قال: و اما غيبته كغيبه عيسى عليه السلام ، فان اليهود و النصارى اتفقت على انه قتل، فكذبهم الله عزوجل ذكره بقوله: ( و ما قتلوه و ما صلبوه ولكن شبه لهم)، كذلك غيبة القائم عليه السلام فان الناس استكروها لطولها. <sup>(۱)</sup>

سدير صيرفي گفت: وارد شدم من و مفضل بن عمر و ابو بصير و ابان بن تغلب بر مولايمان ابي عبدالله جعفر صادق عليه السلام ، فرمودند: و اما غيبت حضرت مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) مانند غيبت حضرت عيسى عليه السلام است، پس يهوديان و نصرانيان همگی برآنند که عيسى کشته شده، خدای عزوجل آنان را تکذيب نموده و فرموده: ﴿و ما قتلوه و ما صلبوه ولكن شبه لهم﴾ <sup>(۲)</sup>

او را نکشتند و او را به دار نکشیدند، بلکه بر آنان امر مشتبه شد (او زنده است و هنگام ظهور حضرت قائم عليه السلام ظاهر می‌شود) همچنين

۲ - سورة النساء، آية ۱۵۷

۱ - ينابيع المودة، باب ۷۴، ص ۴۳۷

غیبت قائم علیه السلام که مردم آن را به خاطر طولانی بودنش انکار می کنند.

### (۱۳)

پاداش منتظران حضرت مهدی موعود علیه السلام

قال علي بن الحسين سيد العابدين عليه السلام: من ثبت علي ولايتنا في غيبة قائمنا اعطاه الله عزوجل اجر الف شهيد من شهداء بدر واحد. (۱)

حضرت امام علي بن الحسين سيد العابدين عليه السلام فرمود: کسی که بر ولایت ما در غیبت قائم ما ثابت قدم باشد، خداوند پاداش هزار شهید از شهدای جنگ بدر و احد را به او عطا می کند.

### (۱۴)

ظاهر شدن گنجهای زمین برای امام زمان علیه السلام

قال موسى بن جعفر عليه السلام في قوله تعالى: (واسبغ عليكم نعمه ظاهرة و باطنة) قال: النعمة الظاهرة، الامام الظاهر والباطنة الامام الغائب، يغيب عن ابصار الناس شخصه و يظهر له كنوز الارض و يقرب عليه كل بعيد. (۲)

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره آیه شریفه فوق، فرمودند: نعمت ظاهری امام ظاهر است و نعمت باطنی امام غائب است که

شخص او از چشمان مردم غیب می شود و گنجهای زمین برای او آشکار می شود و برای او هر دوری نزدیک می شود.

(۱۵)

سال قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام

عن ابی بصیر قال: قال ابو عبدالله علیه السلام:

لا بد ان يكون قدام القائم سنة تجوع فيها الناس و يصبهم خوف شديد من القتل و نقص من الاموال و الأنفس و الثمرات فان ذلك في كتاب الله المبين، ثم تلى هذه الآية: ﴿وَلَنبَلُونَكُمْ بِشْيءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصِ مِّنَ الْاَمْوَالِ وَ الْاَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشْرِ الصَّابِرِينَ﴾ (۱)

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: قبل از آمدن حضرت قائم علیه السلام سال گرسنگی و گرفتاری و ترس از کشتار و نقص در مال و جان و محصولات مردم واقع می شود که اینها را خداوند متعال در قرآن مجید فرموده سپس این آیه کریمه را تلاوت نمودند: (قطعاً همه شما را با چیزی از ترس و گرسنگی و نقص در مالها و جانها و محصولات آزمایش می کنیم و بشارت بده صابران را.) (۲)

(۱۶)

چرا حضرت صاحب الزمان عليه السلام را مهدی و قائم نامیده‌اند؟  
 قال ابو عبدالله عليه السلام: وانما سمي القائم مهدياً لأنه يهدي الى امر  
 مضلول عنه و سمي بالقائم لقيامه بالحق. (۱)  
 حضرت امام صادق عليه السلام فرمود: آن جناب مهدی نامیده شده،  
 چون مردم را به چیزی که از آن دور شده‌اند هدایت می‌کند و قائم  
 نامیده شده، چون برای به پاداشتن حق قیام می‌کند.

(۱۷)

عزیزترین امت نزد خدا

عن ابي جعفر عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: طوبى لمن ادرك قائم اهل  
 بيتي و ياتم به في غيبته قبل قيامه و يتولى اوليائه و يعادي اعدائه  
 ذلك من رفقائي و ذوى مودّتي و اكرم ملّتي على يوم القيامة. (۲)  
 امام باقر عليه السلام از حضرت رسول صلى الله عليه وآله وسلم نقل می‌کند که فرمود:  
 خوشا به حال آن‌که زمان قائم اهل بیت مرا درک کند و در غیبت وی  
 پیش از قیامش او را امام بداند و با دوستانش دوستی کند و با  
 دشمنانش دشمنی کند، او از رفیقان و دوستان من است و روز قیامت

۱ - کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۵۴ / ارشاد مفید، ص ۳۴۳

۲ - ملاحم، ص ۳۸۹

عزیزترین امت در نزد من خواهد بود.

(۱۸)

منکر حضرت مهدی علیه السلام تمام پیامبران را انکار کرده است

موسی بن جعفر البغدادی قال سمعت ابا محمد الحسن بن علی علیه السلام

يقول:

كأنی بكم و قد اختلفتم فی الخلف منی، اما ان المقر بالائمة بعد رسول  
الله المنكر لو لدی كمن اقر بجميع انبیاء الله و رسله ثم انكر نبوة محمد  
رسول الله و المنكر لرسول الله كمن انكر جميع الانبیاء لان طاعة  
آخرنا كطاعة اولنا و المنكر لآخرنا كالمنكر لاولنا اما ان ولدی غیبة  
یرتاب فیہ الناس الا من عصمه الله. (۱)

موسی بن جعفر بغدادی روایت نموده که از حضرت امام  
حسن عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود: گویا شما را می بینم که بعد از  
من در جانشینم اختلاف نموده اید، لیکن آگاه باشید که هر کس به  
ائم علیهم السلام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اقرار نماید ولی فرزند مرا منکر  
شود، مانند کسی است که همه پیغمبران را قبول کند، اما نبوت  
محمد صلی الله علیه و آله و سلم را انکار نماید و هر کس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را منکر شود  
مثل کسی است که تمام پیامبران را انکار کرده باشد، زیرا اطاعت

آخرین فرد ما مثل اطاعت اولین فرد ماست و منکر آخرین فرد ما مثل منکر اولین فرد ماست، بدانید که فرزندانم غیبتی نخواهد داشت که تمام مردم، جز کسانی که خدا نگهداری شان کند، دچار شک و تردید خواهند شد.

(۱۹)

بعضی از علائم ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

عن ابی عبدالله الصادق علیه السلام قال: خمس قبل قیام القائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف): الیمانی والسفیانی والمنادی ینادی من السماء وخسف بالبیداء و قتل النفس الزکیة. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: قبل از ظهور قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پنج چیز اتفاق می افتد:

۱. خروج یمانی ۲. خروج سفیانی ۳. صیحه آسمانی ۴. فرو رفتن زمین در بیداء ۵. کشته شدن نفس زکیه.



(۲۰)

تعیین وقت و زمان برای ظهور امام زمان علیه السلام جایز نیست  
قال سألت ابا جعفر علیه السلام هل لهذا الامر وقت؟

فقال: كذب الوقاتون كذب الوقاتون كذب الوقاتون. (۱)

از امام باقر علیه السلام سؤال کردم، آیا برای امر ظهور امام زمان  
(عجل الله تعالى فرجه الشريف) وقت معینی می باشد؟ آن حضرت فرمود: کسانی  
که برای ظهور وقت تعیین می کنند دروغگو هستند، دروغگو هستند،  
دروغگو هستند.

(۲۱)

جز جنگ چاره‌ای نیست

ابن عقده، عن محمد بن سالم، عن عثمان بن سعيد، عن احمد بن  
سليمان، عن موسى بن بكر، عن بشير النبال مثله الا انه قال: لما قلت  
لأبي جعفر علیه السلام: انهم يقولون ان المهدي لو قام لاستقامت له الأمور  
عفواً و لا يهرق محجمة دم، فقال: كلاً والذي نفسي بيده لو استقامت  
لأحد عفواً لاستقامت لرسول الله صلى الله عليه وآله حين ادميت رباعيته و شبخ  
في وجهه، كلاً والذي نفسي بيده حتى نمسح نحن و انتم العرق و العلق،  
ثم مسح جبهته. (۲)

بشیر می‌گوید: خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم: مردم می‌گویند وقتی مهدی قیام نمود کارها طبعاً برایش رو به راه می‌شود و به اندازه شاخ حجامتی هم خون ریزی نمی‌شود؟ حضرت فرمود: به خدا قسم چنین نیست، اگر چنین امری امکان داشت برای رسول خدا صورت می‌گرفت، در صورتی که در جهاد با دشمن، آرواره رسول خدا خون افتاد و پیشانی مبارکش شکست. به خدا قسم نهضت صاحب الامر علیه السلام هم تمام نمی‌شود مگر این که در میدان جنگ عرق بریزیم و خونها ریخته شود. سپس دست به پیشانی مبارکش کشید.

(۲۲)

زمان اجازه نهضت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم في حديث: وان الثاني عشر من ولدي يغيب حتى لا يرى و يأتي على امتي بزمن لا يبقى من الاسلام الا اسمه و لا يبقى من القرآن الا رسمه فحينئذ يأذن الله تبارك و تعالی بالخروج فيظهر الله الاسلام به و يجدده. (۱)

حضرت پیغمبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: دوازدهمین فرزندم به طوری غایب می‌شود که اصلاً دیده نمی‌شود. زمانی بر امت من خواهد آمد که از اسلام جز اسمی و از قرآن جز ظاهری باقی نمی‌ماند، در آن

هنگام خدا به وی اجازه قیام می دهد و به وسیله او اسلام واقعی را آشکار می نماید.

(۲۳)

جهان در عصر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: العلم سبعة و عشرون حرفاً فجميع ما جاءت به الرسل حرفان فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين فاذا قام قائمنا اخرج الخمسة والعشرين حرفاً فبثها في الناس و ضم اليها الحرفين، حتى يبثها سبعة و عشرين حرفاً. (۱)

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: علم بیست و هفت قسمت می باشد و جمیع آن علوم که پیغمبران آورده اند دو قسمت می باشد پس شناخت و معرفت مردم تا امروز به مقدار این دو قسمت می باشد. زمانی که قائم ما قیام نماید، بیست و پنج قسمت دیگر را آشکار می نماید و برای مردم منتشر می کند تا اینکه بیست و هفت قسمت علم را کامل می کند.

(۲۴)

احیای عدل بر روی زمین

فی قوله تعالى:

﴿اعلموا ان الله يحيى الارض بعد موتها﴾ عن الباقر عليه السلام قال:  
يحيها بالقائم عليه السلام فيعدل فيها فيحيى الارض بالعدل بعد موتها  
بالظلم <sup>(۱)</sup>.

حضرت امام باقر عليه السلام درباره آیه شریفه فوق، فرمودند: خداوند  
زنده می کند زمین را بوسیله حضرت قائم عليه السلام و عدل را در آن استوار  
نموده و زنده می کند زمین را با عدل پس از مردن آن به ظلم.

(۲۵)

رویدادهای بعد از ظهور امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

محمد بن العباس عن محمد بن الحسين بن حميد عن جعفر بن  
عبدالله الكوفي عن كثير بن عباس عن ابي الجارود عن ابي جعفر في  
قوله عز وجل:

﴿الذين ان مكناهم في الارض اقاموا الصلوة وآتوا الزكوة وأمروا  
بالمعروف و نهوا عن المنكر ولله عاقبة الامور﴾. قال: هذه لآل محمد،  
المهدي و اصحابه يملكهم الله مشارق الارض و مغاربها و يظهر

الدين و يميت الله عزّوجل به و بأصحابه البدع و الباطل كما امات  
السفهاء الحق حتى لا يرى اثر من الظلم و يأمرون بالمعروف و ينهون  
عن المنكر ولله عاقبة الامور. (۱)

پرسش شد از ابی جعفر عليه السلام درباره آیه فوق؛ فرمود: این آیه برای  
آل محمد عليهم السلام است و مهدی و اصحاب ایشان مالک می شوند به امر  
خدا شرق و غرب عالم را و ظاهر می شود دین خدا و خداوند  
عزّوجل بوسیله او و یارانش می میراند بدعتها و باطلها را، همان  
طوری که میراند نادانان حق را، تا این که دیگر اثری از ظلم دیده نشود  
و امر می کنند به معروف و نهی می کنند از منکر و عاقبت امور از آن  
خداست.

(۲۶)

قتل دجال به دست امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

قال الصادق جعفر بن محمد عليه السلام «ان الله تبارك و تعالی خلق اربعة  
عشر نوراً قبل خلق الخلق بأربعة عشر الف عام فهي ارواحنا» فقبل  
له يابن رسول الله، و من الاربعة عشر؟

فقال: «محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسين و الائمة من ولد  
الحسين، آخرهم القائم الذي يقوم بعد غيبته فيقتل الدجال و يطهر

## الارض من كل جور وظلم» (۱)

حضرت امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی، خلق نمود چهارده نور را، قبل از خلق بندگان به چهارده هزار سال، پس آن ارواح ماست. به حضرت گفته شد، یابن رسول الله کیانند این چهارده نور؟

فرمود: محمد صلى الله عليه وآله و علی عليه السلام و فاطمه عليها السلام و حسن عليه السلام و حسین عليه السلام و امامهایی که از فرزندان حسین عليه السلام می باشند، آخر آنها حضرت قائم عليه السلام است. آن کسی که قیام می کند بعد از غیبت خود، پس می کشد دجال را و زمین را از هر گونه ظلم و جوری پاک می کند.

## (۲۷)

یاران آهنین امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

عن ابي بصير قال، قال جعفر الصادق عليه السلام:

ما كان قول لوط عليه السلام لقومه (لو ان لي بكم قوّة او آوى الى ركن شديد) الا تمنياً لقوّة القائم المهدي و شدة اصحابه و هم الركن الشديد فان الرّجل منهم يعطي قوّة اربعين رجلاً و ان قلب رجل منهم اشد من زبر الحديد، لو مروا بالجبال الحديد لتدكدكت لا يكفون سيوفهم

حتی یرضی الله عزّوجل. (۱)

نقل شده از ابی بصیر که حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: نبود قول حضرت لوط علیه السلام به قومش که گفت: (ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم، یا تکیه و پشتیبانی محکم در اختیار من بود) مگر این که تمنا می کرد قدرت حضرت قائم علیه السلام را و صلابت اصحاب و یارانش را، به درستی که هر یک از آن یاران قوّت چهل مرد را دارند و قلب هر یک از آنان سخت تر از پاره های آهن است، چنانچه بگذرند بر کوه های آهنین، آن کوه ها از هم بپاشد از کار باز ندارند شمشیرهای خود را تا وقتی که خداوند راضی شود.

(۲۸)

در چگونگی سلام و درود دیدارکنندگان حضرت مهدی علیه السلام

قال ابی جعفر علیه السلام: من ادرك منكم قائمنا فليقل حين يراه (السّلام عليكم يا اهل بيت النبوة و معدن العلم و موضع الرّسالة). (۲)

امام باقر علیه السلام فرمود: چنانچه کسی از شما درک کند قائم ما را، پس بگوید هنگامی که ایشان را می بیند: (سلام بر شما ای خاندان نبوت و معدن علم و محل رسالت)

۱ - المحجة البيضاء، ینابیع المودة، ص ۴۲۴

۲ - غیبة الشیخ

(۲۹)

تکمیل عقول و اخلاق مردم

قال الامام الباقر عليه السلام: اذا قام قائمنا وضع يده على رؤس العباد فجمع بها عقولهم و اكمل به اخلاقهم. <sup>(۱)</sup>  
حضرت امام باقر عليه السلام فرمود: وقتیکه قائم ماقیام کند، دست مبارکش را بر سر بندگان می گذارد، پس عقل آنان جمع و اخلاقشان کامل می گردد.

(۳۰)

ندای آسمانی، نام امام زمان عليه السلام و پدرشان را صدا می زند  
في ما نزل في القائم الحجة عليه السلام في قوله تعالى: ﴿ان نشأ نزل عليهم  
من السماء آية فظلت اعنقهم لها خاضعين﴾ <sup>(۲)</sup>  
عن ابي بصير و ابي الورد عن الباقر عليه السلام:  
قال: هذه الاية نزلت في القائم وينادي مناد باسمه واسم ابيه من  
السماء <sup>(۳)</sup>.

حضرت امام باقر عليه السلام فرمود: آیه فوق الذکر نازل شده درباره  
حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که خداوند متعال فرموده: (اگر ما

۲ - سورة الشعراء، آیه ۴

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶

۳ - ينابيع المودة، ص ۴۲۶



اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه‌ای نازل می‌کنیم که گردنهایشان در برابر آن خاضع گردد.) و منادی ندا می‌کند به نام خود امام زمان علیه السلام و پدرش از آسمان.

(۳۱)

**سقوط دولت باطل برای همیشه**

قال ابو عبدالله علیه السلام: اذا قام القائم ذهب دولة الباطل. (۱)  
حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی قائم قیام کند، دولت باطل برای همیشه سقوط می‌کند.

(۳۲)

**بیماران و ناتوانان در حضور حضرت مهدی علیه السلام**

عن ابي جعفر علیه السلام قال: من أدرك قائم اهل بيتي، من ذي عاهه بریء و من ذي ضعف قوی. (۲)

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود: هر بیماری که قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را درک کند، شفا می‌یابد و هر ناتوانی نیرومند می‌گردد.

(۳۳)

اول علی علیه السلام آخر مهدی قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

عن علی بن الحسین، عن ابیه، عن جدّه علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: الائمة من بعدي اثنا عشر اولهم انت یا علی و آخرهم القائم الذي یفتح الله تعالی ذكره علی یدیه مشارق الارض و مغاربها. (۱)

حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به امام علی علیه السلام فرمود: امامان بعد از من دوازده نفرند، اولشان تو هستی ای علی و آخرشان قائمی است که خدا به دست وی شرق و غرب جهان را مفتوح می گرداند.

(۳۴)

بانگ توحید، تمام کره زمین را فرا می گیرد

قال ابو عبدالله علیه السلام: اذا قام القائم لا یبقی ارض الا تؤدی فیها شهادة ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله. (۲)

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که قائم قیام کرد، هیچ نقطه ای از زمین باقی نمی ماند، جز این که آوای: اشهد ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله در آن جا بلند می شود.

(۳۵)

شیعیان در زمان ظهور چگونه حضرت مهدی علیه السلام را می بینند و صدایش را می شنوند؟

قال الصادق عليه السلام: إن قائمنا إذا قام مدّ الله لشيئتنا في اسماعهم و أبصارهم حتى لا يكون بينهم و بين القائم برید يكلمهم فيسمعون و ينظرون إليه، و هو في مكانه. (۱)

حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند: زمانی که قائم ما قیام کند، خداوند متعال گوش و چشم شیعیان را یاری می دهد، به طوری که بین آنان و حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) واسطه ای نیست و او با آنان صحبت می کند و ایشان او را می بینند، در حالیکه حضرت در مکان خود می باشد.

(۳۶)

سلاح حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

محمد بن مسلم عن ابي جعفر عليه السلام في حديث قال: و اما شبهه من جدّه المصطفى صلى الله عليه وآله فخر وجه بالسيف و قتله اعداء الله و اعداء رسوله و الجبارين و الطواغيت و انه ينصر بالسيف والرّعب و انه لا ترد له راية. (۲)

حضرت امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از این جهت با جدش محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شباهت دارد، که با شمشیر قیام می کند و ستمکاران و گردنکشان و دشمنان خدا و رسول را به قتل می رساند. با شمشیر و ترس دشمن، نصرت می یابد و هیچ یک از پرچمهایش شکست خورده بر نمی گردد.

(۳۷)

**سنت و روش حضرت مهدی** (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ابو سعید الخدری قال: قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يخرج رجل من اهل بيتي و يعمل حضرت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: مردی از اهل بیت من قیام می کند و به سنت و روش من عمل می نماید.

(۳۸)

**حضرت مهدی** (عجل الله تعالی فرجه الشریف) **و نابود کردن بدعتها**

عبدالله بن عطا عن ابي عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام قال سئلته عن سيرة المهدي كيف سيرته؟ قال يصنع ما صنع رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. يهدم ما كان قبله كما هدم رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ امر الجاهلية ويستأنف الاسلام جديداً. (۱)  
عبدالله بن عطا می گوید: خدمت حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام عرض کردم:

سیره و رفتار مهدی چگونه است؟ فرمود: همان کاری را که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ انجام داد، مهدی هم انجام می دهد، چنان که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اساس جاهلیت را منهدم نمود. بدعتها را از بین می برد، آن گاه اسلام را از نو بنا می کند.

(۳۹)

حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در راه انجام وظیفه الهی از کسی نمی هراسد  
قال ابو عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام: اذا خرج القائم يقوم بأمر جديد ولا يستبق  
احداً ولا تأخذه في الله لومة لائم. (۱)  
حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: هنگامی که قائم ظهور کند با امر  
جدیدی می آید و احدی از کفار و ستم گران را باقی نمی گذارد و در راه  
خدا و انجام وظیفه الهی از سرزنش و ملامت کسی باکی ندارد.

(۴۰)

قضاوت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام بین مردم  
ابن تغلب قال، قال لي ابو عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام: فاذا بعث الله قائمنا اهل  
البيت حكم فيهما بحكم الله لا يريد عليهما بيّنة. (۲)  
حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: وقتی قائم آل محمد

(عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کرد. [ همانند حضرت داوود عليه السلام و حضرت سلیمان عليه السلام ] بدون شاهد و گواه، در بین مردم قضاوت خواهد کرد.

### از کجا معلوم که حضرت مهدی عليه السلام قیام نکرده باشد؟

چنانچه از سخنان گذشته معلوم شد، ما به وجود یک مهدی بی نام و نشان و مجهول الهویّه عقیده نداریم تا در تطبیقش به فردی در اشتباه واقع شویم، بلکه پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عليهم السلام که اصل وجود مهدی را خبر داده‌اند، آن وجود مقدس را کاملاً تعریف و توصیف نموده و هرگونه ابهامی را برطرف ساخته‌اند. آن وجود مقدس دو غیبت داشته است که یکی کوتاه و دیگری طولانی می‌باشد.

غیبت دوم به قدری طولانی می‌گردد که بسیاری از مردم در اصل وجودش تردید می‌کنند. ظهور و دعوتش از مکه شروع می‌شود و با شمشیر و جنگ نهضت می‌کند و تمام ستمکاران و مشرکین را به هلاکت می‌رساند. تمام اهل کتاب و مسلمین تسلیمش می‌شوند و یک دولت اسلامی و جهانی در سرتاسر زمین تشکیل می‌دهد. ظلم و بی‌دادگری را ریشه کن نموده و دادگری و عدالت را جهانگیر می‌کند. اسلام را دین عمومی و در ترویج و توسعه آن کوشش می‌نماید. مسلمین در انتظار ظهور چنین شخصی به سر می‌برند.

A decorative border with floral and vine motifs surrounds the text. The top and bottom corners feature large, symmetrical floral designs. The sides are decorated with vertical vine-like patterns with small leaves and flowers.

چند دستور العمل جهت

تشرف به خدمت

حضرت صاحب الزمان عليه السلام

### سه حدیث از حضرت امام صادق علیه السلام

۱- حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده‌اند: هر که در هر شب جمعه سوره مبارکه بنی اسرائیل (اسراء) را بخواند، نمیرد تا به خدمت حضرت قائم علیه السلام برسد و از اصحاب آن حضرت باشد. (۱)

۲- حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرمایند: هر که بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم» نمیرد تا حضرت قائم علیه السلام را درک نماید. (۲)

۳- از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که: هر که چهل صباح دعای عهد را بخواند از یاوران قائم علیه السلام ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد و حقتعالی به ازای هر کلمه هزار حسنه او را کرامت



فرماید و هزار گناه از او محو کند. (۱)

### سخن یکی از اولیای الهی

یکی از اولیای الهی فرموده‌اند: برای ملاقات با امام زمان علیه السلام به پدر و مادر احسان کنید.

### توصیه شیخ رجبعلی خیاط (رحمة الله علیه)

جناب شیخ رجبعلی خیاط (رحمة الله علیه) از عارفان بزرگ برای تشرّف به محضر حضرت ولی عصر علیه السلام قرائت آیه کریمه زیر را به مدت چهل شب و شبی صد مرتبه توصیه نموده‌اند.

﴿رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِّيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا﴾ (۲)

طبق نقل تعداد قابل توجهی از شاگردان شیخ، از طریق مداومت بر این ذکر، خدمت امام زمان علیه السلام، تشرّف پیدا کرده‌اند، هرچند در هنگام تشرّف، امام علیه السلام را نشناخته‌اند.

همچنین به فردی که عازم حج بود، فرمودند: از تاریخ حرکت تا چهل روز این آیه کریمه (آیه ۸۰ از سوره اسراء) را بخواند تا شاید

بتواند ولی عصر علیه السلام را ببیند. (۱)

### ختمی نورانی جهت تشرّف به خدمت حضرت مهدی علیه السلام

هر کس یک اربعین با شرائطش به این ختم مشغول شود به لقاء حضرت قائم علیه السلام نائل می گردد. این ختم از اسرار الهی و کنوز ربّانی می باشد که معروف است به دعای صاحب الزمان علیه السلام، که باید به تعداد ۱۷۴۸۸ مرتبه خوانده شود.

به این صورت که چهل روز را به چهار قسمت تقسیم نماید، سپس هر نه روز از ده روز را روزی ۳۶۰ مرتبه و روز دهم ۱۱۳۲ مرتبه بخواند.

در هنگام شروع ختم ابتدا باید وضو گرفته و رو به قبله در محلی پاک بنشیند و بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و آل اطهارش علیهم السلام صلوات بفرستد و از گناهان خود استغفار کند و یک مرتبه بگوید:

( يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يَا فَعَالًا لَمَّا يُرِيدُ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ )

سپس شروع کند به ختم این دعای شریف:

(( يَا اللَّهُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيَّ يَا فَاطِمَةَ وَ بَنِيهَا يَا ضَا حِبَ الزَّمَانِ أَدْرِكُنِي

يَا فَارِسَ الْحِجَازِ أَدْرِكُنِي يَا أَبَا صَالِحِ الْمَهْدِيِّ أَدْرِكُنِي وَلَا تُهْلِكُنِي ))

سپس ۱۰ مرتبه صلوات فرستاده و با قرائت یک مرتبه سوره حمد و توحید آنرا ختم کند.

لازم است که خواننده دعا در صورت شروع ختم با اخلاص بر آن مداومت نماید. بدرستیکه در این دعا اسم اعظم خدا می باشد که از آن آثار عجیب و کارهای غریبی ظاهر می گردد. (۱)

### مداومت بر دعایی بعد از نماز صبح

هر کس بعد از نماز صبح بر این جمله مداومت نماید، انشاءالله به زیارت حضرت صاحب الزمان علیه السلام موفق خواهد شد.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُؤَخِّرَ أَجَلِي وَ لَا تَقْبِضَ رُوحِي حَتَّى أَرَى سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ ضَا حِبَ الزَّمَانِ حُجَّةَ بِنِ الْحَسَنِ صَلَواتُ اللَّهِ وَ سَلامُهُ عَلَيْهِ» (۲)

### دعای ندبه از دیدگاه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام

یکی از دعاهای دل باختگان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دعای مشهور ندبه است که همواره بسیاری از مؤمنان و مشتاقان و منتظران ظهور دولت حق و عدالت و حکومت جهانی اسلام خواندن آن را شعار خود قرار داده اند و تجدید عهد با آن رهبر آزاده و خاتم

الاولیاء نموده و مجالسی پر شور و روحانی با عنوان تمنا و اجابت و خواندن دعای شریف ندبه، تشکیل می دهند.

امید است مورد قبول حضرت بقیة الله ناموس الدهر ولی عصر، سیدنا و مولانا صاحب الزمان المهدی (ارواحنا و ارواح العالمین له الفداء) قرار بگیرد.

پوشیده نیست که ندبه بر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و اظهار شوق به لقای آن حضرت و دعا برای تعجیل فرج و ظهور، یک سنت حسنه است که همواره شیعه بر آن مداومت داشته است.

دعای ندبه را شیعه از امامان خود که کار و عملشان پیروی از گفتار و رفتار ائمه اطهار علیهم السلام که بر حسب حدیث متواتر ثقلین و احادیث صحیح دیگر، وظیفه هر مسلمان است، آموخته اند.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام بر حسب روایات، مکرر از اوضاع آخر الزمان و فتنه هایی که ظاهر می شود خبر می دادند و نگرانی و تأثر خود را اظهار می نمودند. شیخ صدوق و شیخ طوسی (رضوان الله علیهم) هر یک به سند خود حدیث مفصّلی را از سدیر صیرفی<sup>(۱)</sup> روایت کرده اند که در آن، گریه و ندبه امام ششم، حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بر غیبت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان شده است، که ما برای رعایت اختصار، جمله ها و مضمون

۱ - سدیر صیرفی از اصحاب حضرت امام باقر و حضرت امام صادق علیهم السلام است.

قسمتی از این حدیث را که ارتباط با دعای ندبه دارد، در این جا نقل می‌نماییم.

سَدِیر صِیرْفِی می‌گوید: من و مفضل بن عمر و ابوبصیر و ابان بن ثعلب، به محضر آقایمان حضرت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدیم، دیدیم آن حضرت بر روی خاک نشسته و لباسی که از مو بافته شده و طوقدار و بی‌گریبان بود، پوشیده است و مانند فرزند مرده جگر سوخته گریه می‌کرد. آثار خون و اندوه از گونه و رخسارش آشکار و اشک، کاسه چشمایش را پر کرده بود و می‌فرمود:

«آقای من، غیبت (دوری) تو خواب و راحت را گرفته، و خواب‌گاهم را بر من تنگ کرده و آرامش راحت دلم را ربوده است. آقای من، غیبت تو مصیبت‌های دردناک ابدی پیوسته پس احساس می‌کنم به اشکی که در چشمم خشک می‌گردد و ناله‌ای که در سینه‌ام آرام می‌گیرد، مگر آن که مصایب بزرگتر و دل‌خراش‌تر و پیش‌آمدهای سخت‌تر و ناشناخته‌تر در برابر دیده‌گانم مجسم می‌شود».

سَدِیر گفت: عقل از سر ما پرید، و دل‌های ما از غم و اندوه این پیش‌آمد هولناک و حادثه خطرناک، پاره شد. عرض کردیم: خدا دیدگان‌تان را نگریاند، ای پسر خیرالوری از چه پیش‌آمدی این گونه گریانی و از دیده اشک می‌باری؟

چه حالی روی داده که این گونه سوگواری؟

حضرت چنان آه عمیقی کشید که ناراحتی اش از آن افزون شد، از روی تعجب فرمود: وای بر شما، بامداد امروز نگاه کردم در کتاب جفر و آن، کتابی است که علم مرگ و بلاها و آن چه واقع شده و واقع می شود تا روز قیامت، در آن مندرج است و خداوند، محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امامان بعد از او را به آن اختصاص داده است. تأمل کردم در موضوع ولادت غایب ما و غیبت و طول عمر او <sup>(۱)</sup> و گرفتاری مؤمنان در آن زمان و شکهایی که از جهت طول غیبت در دل هایشان پیدا می شود و این که بیشتر آنها از دین برگردند و رشته اسلام را از گردن بردارند. <sup>(۲)</sup> بنابراین دعای ندبه، علاوه بر ثمرات و آثار عمومی دعا، به مناسبت مطالبی که در جمله های پرمحتوایش مندرج است، خواننده را به یک قسمت و یک سلسله از هدفهای تحقق نیافته اسلام که باید تحقق یابد متوجه می سازد.

جمله های دعای ندبه، احساسات را به هیجان می آورد و خواننده را تکان می دهد و از کفر و شرک و تجاوز و ظلم و ستم متنفر می سازد و اینها آثار ایجابی و مثبت دعاست. حال اگر بهره ما از این دعا و از

۱ - در موضوع طول عمر و فلسفه غیبت آن حضرت رجوع شود به دو کتاب به نام منتخب الاثر و نوید لطف الله صافی.

۲ - علاقمندان رجوع کنند به کتابهای کمال الدین (ص ۳۵۷ - ۳۵۲) و غیبت شیخ طوسی (ص ۱۰۸ - ۱۰۴) و ترجمه بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۶۶

برنامه هایی که داریم آثار سلبی و منفی باشد، مربوط به دعا نیست،  
مربوط به جهل و غفلت و عدم شناخت است.

در پایان از خدای بزرگ و مهربان می خواهیم که موانع ظهور امام  
زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بر طرف سازد و ما را از یاران با وفای آن  
حضرت قرار دهد.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

## خطبة فرج

اللهم عجل في فرج نورك الأزهر، و ضياءك الأنور، الغائب  
المستور، خاتم الائمة و مصباح الامة الذي ببقائه بقيت الدنيا و بيمنه  
رزق الورى و بوجوده ثبتت الأرض و السماء، به يملأ الله الارض قسطاً  
و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً، مولانا و امامنا الحجة بن الحسن المهدي  
صاحب العصر و الزمان صلوات الله و سلامه عليه و على آبائه امناء  
الملك المنان و الله ولي العلم و الحكمة و الطول و العصمة و الحمد لله اولاً  
و آخراً و السّلام.



## منابع و مأخذ کتاب

۱. قرآن کریم
۲. تفاسیر قرآن
۳. نهج البلاغة ..... الامام علی علیه السلام
۴. بحار الانوار ..... علامه مجلسی
۵. اثبات الهدی ..... محمد بن حسن حر العاملی
۶. الارشاد ..... محمد بن نعمان مفید
۷. الزام الناصب ..... حاج شیخ علی یزدی
۸. الملاحم و الفتن ..... علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس
۹. النجم الثاقب ..... مرحوم حاج میرزا حسین نوری
۱۰. منتهی الامال ..... شیخ عباس قمی
۱۱. مفاتیح الجنان ..... شیخ عباس قمی
۱۲. سفینه البحار ..... شیخ عباس قمی
۱۳. کیمیای محبت ..... محمد محمدی ری شهری

۱۴. ختوم و اذکار ..... سید محمد تقی مقدم
۱۵. شیفتگان حضرت مهدی علیه السلام ..... محمد حسین رجایی خراسانی واعظ
۱۶. علائم آخر الزمان ..... طاویبی همدانی
۱۷. کتاب الغیبة ..... محمد بن ابراهیم نعمانی
۱۸. کتاب الغیبة ..... محمد بن حسن طبرسی
۱۹. کمال الدین ..... شیخ صدوق
۲۰. منتخب الاثر ..... لطف الله صافی
۲۱. الصحیفة المهدیة ..... ابراهیم بن المحسن الکاشانی
۲۲. نواب اربعه ..... عباس راسخی نجفی
۲۳. ینایع المودّة ..... شیخ سلیمان

## فهرست

موضوع	صفحه
پیش گفتار	۵
دعای حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)	۷
کیفیت ولادت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> و تاریخ آن و بعضی از حالات	
مادر و نام ایشان	۸
قرآن و قیام قطب عالم امکان و غوث زمان حضرت بقیة الله روحی	
و ارواح العالمین له الفداء	۱۰
اسلام چگونه بر همه ادیان پیروز می گردد	۱۰
امام زمان <small>علیه السلام</small> چند ساله است؟	۱۲
چطور ممکن است کودک پنج ساله، امام جامعه اسلامی	
گردد؟	۱۲
غیبت صغری	۱۴
غیبت کبری	۱۷

- ۱۸ ..... نیابت عامه
- ۱۹ ..... توسّل به حضرت قائم علیه السلام
- ۲۰ ..... تو هستی که می توانی شراب را مبدّل به سرکه کنی
- ۲۲ ..... دعای شب قدر از امام زمان علیه السلام
- ۲۳ ..... **چند تشرّف به خدمت حضرت صاحب الزمان علیه السلام**
- ۲۵ ..... چرا دعای فرج نمی خوانی؟
- ۲۹ ..... دیدار شهید ثانی با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ..... زیارت سید محمد پسر امام هادی علیه السلام و دیدار با امام زمان علیه السلام
- ۳۰ ..... در هشت فرسخی سامرا.....
- ۳۲ ..... زائر امام رضا علیه السلام و دیدارش با امام زمان علیه السلام
- ۳۷ ..... **یک داستان شگفت و سه رؤیای صادق**
- ۳۹ ..... داستان شگفت در کاخ زیبای قیصر روم.....
- ۴۱ ..... خواب شیرین نرجس خاتون علیها السلام
- ۴۳ ..... خواب شیرین تر و دیدار ملکه اسلام، حضرت زهرا علیها السلام
- ۴۴ ..... خواب وصال نرجس خاتون علیها السلام و امام حسن عسکری علیه السلام ..

- چهل حدیث در ارتباط با آقا امام زمان علیه السلام ..... ۴۷
- دعای زیاد برای فرج امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ..... ۴۹
- برترین عبادتها ..... ۴۹
- انصار حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در شهر طالقان ..... ۵۰
- یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ..... ۵۰
- امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و انگیزه نام شهر قم ..... ۵۱
- خوراک و پوشاک امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ..... ۵۱
- در حرمت انکار قیام قائم آل محمد: ..... ۵۲
- منتظرین فرج حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ..... ۵۲
- علت ایستادن هنگام شنیدن نام حضرت قائم علیه السلام ..... ۵۳
- منکر حضرت مهدی علیه السلام کافر است ..... ۵۴
- فضیلت انتظار فرج مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ..... ۵۴
- عیسی مسیح علیه السلام با امام زمان علیه السلام ظاهر می شود ..... ۵۵
- پاداش منتظران حضرت مهدی موعود علیه السلام ..... ۵۶
- ظاهر شدن گنجهای زمین برای امام زمان علیه السلام ..... ۵۶
- سال قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام ..... ۵۷
- چرا حضرت صاحب الزمان علیه السلام را مهدی و قائم نامیده اند؟ ... ۵۸
- عزیزترین امت نزد خدا ..... ۵۸
- منکر حضرت مهدی علیه السلام تمام پیامبران را انکار کرده است ..... ۵۹

- ۶۰ ..... بعضی از علائم ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۶۱ ..... تعیین وقت و زمان برای ظهور امام زمان علیه السلام جایز نیست
- ۶۱ ..... جز جنگ چاره‌ای نیست
- ۶۲ ..... زمان اجازه نهضت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۶۳ ..... جهان در عصر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۶۴ ..... احیای عدل بر روی زمین
- ۶۴ ..... رویدادهای بعد از ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۶۵ ..... قتل دجال به دست امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۶۶ ..... یاران آهنین امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۶۷ ..... در چگونگی سلام و درود دیدارکنندگان حضرت مهدی علیه السلام
- ۶۸ ..... تکمیل عقول و اخلاق مردم
- ۶۸ ..... ندای آسمانی، نام امام زمان علیه السلام و پدرشان را صدا می‌زند
- ۶۹ ..... سقوط دولت باطل برای همیشه
- ۶۹ ..... بیماران و ناتوانان در حضور حضرت مهدی علیه السلام
- ۷۰ ..... اول علی علیه السلام آخر مهدی قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۷۰ ..... بانگ توحید، تمام کره زمین را فرا می‌گیرد
- شیعیان در زمان ظهور چگونه حضرت مهدی علیه السلام را می‌بینند
- ۷۱ ..... و صدایش را می‌شنوند؟
- ۷۱ ..... سلاح حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

- ۷۲ ..... سنت و روش حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۷۲ ..... حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و نابود کردن بدعتها
- حضرت مهدی علیه السلام در راه انجام وظیفه الهی از کسی
- ۷۳ ..... نمی هراسد
- ۷۳ ..... قضاوت حضرت مهدی علیه السلام بین مردم
- ۷۴ ..... از کجا معلوم که حضرت مهدی علیه السلام قیام نکرده باشد؟

### چند دستورالعمل جهت تشرف به خدمت حضرت صاحب

- ۷۵ ..... الزمان علیه السلام
- ۷۷ ..... سه حدیث از حضرت امام صادق علیه السلام
- ۷۸ ..... سخن یکی از اولیای الهی
- ۷۸ ..... توصیه شیخ رجبعلی خیاط (رحمة الله علیه)
- ۷۹ ..... ختمی نورانی جهت تشرف به خدمت حضرت مهدی علیه السلام
- ۸۰ ..... مداومت بر دعایی بعد از نماز صبح
- دعای ندبه از دیدگاه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه
- ۸۰ ..... اطهار علیهم السلام
- ۸۵ ..... خطبه فرج
- ۸۷ ..... منابع و مأخذ کتاب
- ۸۹ ..... فهرست